

## سیاست ترور

گزارشی در مورد ترور فلسطینی ها از سوی موساد

مترجم: بهمن بهساز\*

اشاره:

ودیع حداد از فرماندهان برجسته جبهه مردمی برای آزادی فلسطین ، موسس جنبش ملی گرایان عرب و از مهمترین مبارزان فلسطینی در دههای ۷۰ و ۸۰ میلادی بود . وی به همراه جورج حبش بسیاری از عملیات های ضد اسرائیلی را سازماندهی کرد . افشای قتل وی توسط موساد پس از تقریباً ۲۰ سال در صدر رسانه های عربی قرار گرفت که مقاله زیر منبع اصلی این رسانه ها بود .

دکتر ودیع حداد با مرگی آهسته و عذاب آور در بیمارستان محقری در آلمان شرقی فوت کرد. این پزشک فلسطینی ۴۸ساله با حالت روبه مرگ از عراق به آلمان شرقی رفته بود. وی سال ها از زیادی وزن رنج می برد و اکنون ضعیف و ناتوان شده و در بستر بیماری افتاده بود تا اینکه در ۳۰ مارس ۱۹۷۸ جان سپرد. ده ها نفر از دوستدارانش برای تحلیل معمای مرگ وی تلاش کردند. حداد به خاطر یک بیماری سخت و ناشناخته که به دستگاه دفاعی بدن وی حمله کرده بود جان باخت. عده ای احتمال می دادند که دستان دراز موساد به وی رسیده و باعث مرگش شده است. امروز می توان افشا کرد که آنها درست می گفتند و حداد به وسیله یک شکلات سمی مرده است.

حداد در چند جهت دارای تخصص بود. او اولین کسی بود که هواپیمای «ال عال» را در جولای ۱۹۶۸ ربود. چند هفته پس از اینکه مسافران هواپیما را گروگان گرفته بود دولت اسرائیل به ریاست لیفی اشکول اسرای فلسطینی را در مقابل گروگان ها آزاد کرد. همراهانش هواپیمای «لوفت هانزا» که از دهلی نو در راه آلمان بود را ربوده و مجبور به فرود در یمن کردند. لوفت هانزا چند میلیون دلار برای هواپیما و مسافرانش پرداخت کرد. حداد بین جبهه مردمی برای آزادی فلسطین و سازمان های تروریستی بین المللی ارتباط برقرار کرد و آنها را برای آموزش به لبنان دعوت کرد. یکی از نتایج این کار کشتار در فرودگاه اللد در سال ۱۹۷۲ بود که ارتش سرخ ژاپن اجرا کرد. ربودن هواپیمای خطوط فرانسه که از پاریس به اسرائیل و عتبه پرواز می کرد عملیاتی بود که جوان های حداد اجرا کردند و آزادی گروگان ها که با عملیات یک گشتی ستاد کل فرماندهی پایان یافت \_ آخرین قدم

بود. پس از این در موساد و امان تصمیم گرفته شد که حداد را از میان بردارند. یک مشکل وجود داشت، حداد بیشتر در بغداد بود و تقریباً آنجا را ترک نمی کرد. از طرح ترور که مناخیم بگین نخست وزیر وقت اجازه آن را داد برای اولین بار در کتاب «حساب باز» نوشته روزنامه نگار اسرائیلی اهارون کلاین پرده برداشته شد.

دکتر حداد خیلی شکلات دوست داشت مخصوصاً شکلات بلژیکی. آنها در اسرائیل تصمیم گرفتند از این مسئله استفاده کنند. یکی از عاملان فلسطینی که از فعالان جبهه مردمی برای آزادی فلسطین بود در بازگشت از اروپا برای حداد یک جعبه شکلات مرغوب بلژیکی هدیه آورد که آن زمان در بغداد کالای گران و کمیابی بود. کارشناسان موساد سم بیولوژیک کشنده ای را وارد شکلات کرده بودند و چنانچه حدس می زدند حداد قصد تقسیم این هدیه گران را با هیچ کسی نداشت. وی به تنهایی تکه های شکلات مملو از ماده مسموم را خورد. چند هفته پس از خوردن شکلات سم فعال شد و حداد شروع به کاهش وزن کرد. کسی نمی توانست بین این بیماری مرموز و شکلات رابطه برقرار کند. وقتی بیماری او وخیم شد به آلمان رفت و پزشکان متوجه نقص مرموزی در دستگاه دفاعی بدن وی شدند. بعد از مرگ او همه شاهد کاهش شدید آمار تعداد عملیات ها علیه اهداف اسرائیل در خارج از کشور بودند. گروه اطلاعاتی که این حقایق را به بیگن اطلاع دادند عقیده داشتند که این عملیات یک خنثی سازی پیشگیرانه به شمار می رود یعنی از میان برداشتن بمبی ساعتی یا انسانی با ذهن نوآور که از طراحی عملیات بعدی باز نمی ایستد.

بنابه اظهار کلاین نویسنده کتاب، اعلام این شیوه ترور روشن می کند که موساد از ۳۰ سال پیش در ترورهای بیولوژیک دست داشته یعنی سال ها قبل از طرح ترور خالد مشعل در عمان در سپتامبر ۱۹۹۷ با سم مرموزی که علامتی به جا نمی گذارد. آیا خواننده باید متوجه شود که یاسر عرفات را هم اسرائیل با سم مرموز ترور کرده است؟ کلاین می گوید: «تلاش نکردم تا به این مطلب اشاره کنم. وقتی فصل ترور حداد را می نوشتم این تفکر هرگز به ذهنم خطور نکرد.»

ایده نوشتن کتابی از سیاست ترورهای اسرائیل را کلاین بعد از کشته شدن ورزشکاران اسرائیلی در المپیا德 مونیخ ترتیب داد. او در آن زمان گزارشگر مجله تایم در امور ارتش و اطلاعات اسرائیل بود. کلاین می گوید: «قصد من نوشتن حقیقت درخصوص سیاست ترور در اسرائیل است. نوشتن در این موضوع همیشه جنجالی و خودخواهانه بوده است. همه چیز را می فهمید و از همه چیز مطلع می شوید. با ده ها تن از ماموران بازنشسته موساد و افرادی که از دهه های ۸۰ و ۹۰ در ترورها شرکت داشته اند مصاحبه کرده ام.»

به اعتقاد عده ای کتاب کلاین لیست اتهامات علیه اسرائیل است. با نگاهی به گذشته روشن می شود که به جز ۲ یا ۳ تن، ترور شدگان افرادی کم اهمیت در MTF بودند و اسرائیل را به خطر نینداخته و مستقیماً در عملیات ها شرکت نداشتند. بعد از این ترورها طرف فلسطینی، اسرائیل را در توجیه اعمالش مساعدت کرد به این معنا که این افراد به عنوان شهید معرفی شدند و تشییع جنازه مردمی برگزار گردید و هیچ کس در دنیا قبول نمی کرد که آنها افرادی کم اهمیت هستند که هرگز اسرائیل را در معرض خطر قرار نداده اند. کلاین می گوید: «من افراد موساد را محاکمه نمی کنم، این در نگاه آنان کار مقدسی است. آنها دارای اطلاعات نبودند چیزی که به این مطلب اشاره دارد این است که برخی از ترور شدگان جزء متفکران فلسطینی و بدون خطر بوده اند.»

اولین فرد ترور شده وائل زعیتز فیلسوف فلسطینی در ۸۶ سالگی بود که «هزار و یک شب» را از عربی به ایتالیایی ترجمه کرده بود. این مرد به عنوان رهبر «سپتامبر سیاه» در ایتالیا به گلدایر معرفی شد. هیچ کس فکر نکرد که یک فرد بسیار برجسته در سازمانی تروریستی چگونه می تواند زندگی محقری داشته باشد که حتی تلفن وی به خاطر عدم توانایی در پرداخت قبض قطع شده بود. کلاین اشاره می کند: «در آن ایام اطلاعات فقط به طور روزانه بود، یعنی اطلاعاتی بودند که از طریق عوامل انسانی به دست می آمد. شنود و وسایل الکترونیکی وجود نداشت. مایک هراری فرمانده واحد «قیساریا» که مسئولیت عملیات های ویژه و استفاده از جنگجویان موساد را در سرزمین دشمن به عهده داشت، زیربنایی در اروپا نداشت. گلدایر دائماً او را مجبور به ترور می کرد و هراری اطلاعاتی نداشت. عاملان فلسطینی به خاطر مال و لذت های دیگر کار می کردند. وقتی یکی از منابع خواستار مالی شد گفت که زعیتز برای یک عملیات برنامه ریزی می کند، موساد این مطلب را شنید و بدون مکث روی اطلاعات وی را کشتند که البته تنها فرد نبود.»

کلاین می گوید فقط یک مورد \_ ترور عاطف بسیسو در سال ۱۹۹۲ \_ به علت انتقام بود. بسیسو ۴۸ ساله رابط میان MTF در تونس و خدمات اطلاعاتی اروپای غربی بود. اعضای موساد او را در راه برلین-پاریس تعقیب کردند و در هتل محل اقامتش وی را به قتل رساندند. شبتای شبیط رئیس وقت موساد شخصاً دستور قتل بسیسو را داده بود. بسیسو به این علت کشته شد که ۲۰ سال پیش از آن از طراحان عملیات سپتامبر سیاه در المپیک مونیخ بود، به عقیده کلاین انتقام تنها علت ترور او بود. اما بقیه ترورها با هدف ممانعت از عملیات هایی در آینده انجام گرفت. توجیه پذیرترین ترور به نظر کلاین ترور محمد بودیه بود. وی طراح، بازیگر و صاحب تئاتر در پاریس بود که آماده در اختیار قرار دادن خدماتش به سازمان های تروریستی مختلف در فلسطین

بود. از آن جمله مبادرت به طرح بزرگی برای قرار دادن کامیون های بمب گذاری شده در ۹ هتل در تل آویو در شب عید پاک ۱۹۷۱ بود. این طرح قبل از اجرا خنثی شد. بودیه فهمیده بود که مورد هدف قرار گرفته و به همین جهت اقدامات احتیاطی زیادی انجام می داد. مکان های خوابش را تغییر می داد و به شکل پیرمرد یا در لباس زنانه به خیابان می آمد. اما یک نقطه ضعف داشت و آن اتومبیل محبوبش بود. هرچند چهره و کارت شناسایی خود را با کمک استعداد بازیگری تغییر داده بود اما فقط با اتومبیلش رنو ۱۶ سفر می کرد. در شب ۲۸ ژوئن ۱۹۷۳ وقتی با دوستانش در خواب بود افراد موساد یک بمب در زیر صندلی راننده جاسازی کردند. در ساعت ۸ صبح وقتی بودیه در صندلی نشست و همراه او هنوز سوار ماشین نشده بود بمب منفجر شد. یکی از موضوعات اصلی که توجه کلاین را جلب کرده شیوه اتخاذ تصمیمات بوده است. وی افشا کرد که تمام توصیفات در خصوص دادگاه مخفی که روزنامه ها آن را «کمیته X» نامیدند داستانی ساختگی است. کسی که واقعاً تصمیم می گیرد نخست وزیر است. هیچ نهاد رسمی اجازه ترورها را نداده و بیشتر از ۷ وزیر از این سر آگاهی نداشتند. رئیس موساد پرونده ای از نامزد های قتل را به هر یک از آنها عرضه می کرده که دارای چند صفحه مکتوب و عکس فرد مورد نظر است. در پایان متن مکتوب نتایج و توصیه ها قرار دارد یعنی توصیه به ترور چون ترور باعث جلوگیری از عملیات هایی علیه شهروندان و اهداف اسرائیلی یهودی می شود. بیشتر وزیران به خواندن نتایج و توصیه ها اکتفا کرده اند و از رئیس موساد چند سؤال پرسیدند و اجازه عملیات را داده اند یا نداده اند. مسلماً مواردی بوده که اجازه ترور داده نشده باشد.

بنابه اظهار کلاین نخست وزیر لیفی اشکول به ترور علاقه نداشت اما در مقابل گلدا مایر ترورهایی که پس از مونیخ انجام شد را بدون مطالبه اطلاعات بیشتری که بر اتهام افراد مورد نظر تاکید کند مجاز دانسته است. اسحاق رابین جویاتر از همه بود و افراد موساد یا شین بت را با سئوالاتی از جزیی ترین جزئیات خسته می کرد. وی می خواست همه چیز را از زاویه شلیک گلوله و مسیر فرار بداند و خیلی اوقات ترور به این خاطر که رابین آن را ناپخته می دانست متوقف شد. شیمون پرز هم وقتی نخست وزیر بود در اجازه دادن به ترورها خیلی محتاط بود اما این به خاطر انتخابات ۱۹۹۶ بود که با بنیامین نتانیا هو رقابت می کرد. افرادی از موساد به کلاین گفتند که آسان ترین نخست وزیر که به اجازه دادن هر درخواست تروری علاقه داشت اسحاق شامیر از اعضای موساد بود.

منبع: یدیعتو آحارونوت [به نقل از القدس العربی]